

پایان‌نامه →



آزمون و خطا، همیشه تا همیشه

نوبت سینماسالاری چه زمانی می‌رسد

سینمای ایران فراز و نشیب‌های فراوانی در سی و چند سال گذشته از سر گذرانده است. در موارد بسیاری، مدیران دولتی سینما از روش آزمون و خطا برای به پیش راندن سینما استفاده کرده‌اند. نکته جالب و البته فکربرانگیز این است که ظاهرا این روش آزمون و خطا را پایانی نیست. یک زمانی بر آن شدند تا بازیگرسالاری را تارومار کنند. بازیگر نمی‌توانست هر دستمزدی که مایل بود، دریافت کند. در همان دوران یکی از بازیگران سرشناس سینمای ایران برای آنکه درخواست دستمزدی بالا کرده بود، مدتی از روی پرده سینماها غیب شد. دلیل مخالفت با بازیگرسالاری این بود که نباید مانند سینمای گذشته ستاره‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد سینما داشته باشند. مدت‌ها گذشت اما این آزمون هم با خطا روبه‌رو شد. به تدریج سیاستگذاران سینمایی به این نتیجه رسیدند که سینما بدون ستاره «جواب نمی‌دهد» به این ترتیب ستارگان سینمای ایران پرده‌های سینماها را تسخیر کردند.

زمانی که تیم ملی فوتبال ما با حریفان دست دوم مسابقه می‌دهد، کارشناسان فوتبال می‌گویند تیم ما محک جدی نخورده و نقطه‌های ضعف و قوتش «بیرون نمی‌زند». در ادامه آزمون‌ون روش آزمون و خطا، سینمای ایران با ممنوعیت فیلم خارجی محک جدی نخورد و نقطه ضعف و قوتش بیرون نزد. علاج قبل از وقوع بحران برای سینمای ایران از نظر سیاستگذاران این بود که رقیبی به نام فیلم خارجی از میدان مسابقه خارج شود تا فیلم ایرانی بتواند در یک مسابقه یک‌نفره اول شود. این سیاست همچنان ادامه دارد. نتیجه چنین سیاستی این شد که هر کسی در هر مقامی که فیلمی تولید می‌کند، اعتقاد دارد در راستای سینمای ملی گام می‌زند و این یعنی سینمای ایران. اما کلامهان را قاضی کنیم. خیل فیلم‌هایی که در این یکی دوساله سینماها را انباشتند، اگر رقیب قدری مانند فیلم خارجی داشتند، باز هم تولید می‌شدند؟ کالای خوب خارجی و محصول بنجل داخلی، چرایی ورود کالای خارجی در زمانی که کالای مشابه آن در داخل تولید می‌شود، استقبال عمومی نسبت به جنس خارجی در برابر جنس تولید داخل و مسائلی از این دست حدیثی همیشگی در جامعه ما بوده و هست.

روزگاری دیگر کارگردان‌سالاری در سینمای ایران تجویز شد. نام‌ها یکی پس از دیگری بزرگ و بزرگ‌تر شدند. اکنون جشنواره‌های خارجی هم مزید بر علت شده و نام کارگردان‌ها درشت‌تر از نام بازیگران و عوامل دیگر بر بیلبوردهای تبلیغاتی می‌درخشید. همه می‌خواستند کارگردان شوند. در این دوران کارگردان‌های فیلم اول رشد صعودی پیدا کردند. مدیران دولتی از حضور کارگردان‌های جدیدالورود استقبال می‌کردند. در همین دوران افسانه‌ای نیز در میان اهالی سینما شکل گرفت و معادلی برای یافتن مقصر ایجاد شد. به عبارت دیگر ضعف کارگردانی و ضعف‌های دیگر به گردن فیلمنامه‌نویس انداخته شد و ناگهان چو افتاد که مشکل سینمای ایران فیلمنامه است و فیلمنامه است و فیلمنامه.

زمانی دیگر ساختن فیلم‌هایی موسوم به فاخر در دستور کار قرار گرفت. تعریفی که در این دوران از سینمای فاخر ارائه شد، پرخرج بودن، طولانی شدن دوران فیلمبرداری، استفاده از جلوه‌های ویژه و متخصصان خارجی بود. فیلم‌هایی تاریخی با مضامین برگرفته از داستان پیامبران که پیشش از هر چیز دیگری آنچه برای سازندگان‌شان اهمیت داشت، شکوه و جلال بیرونی و بصری در این فیلم‌ها بود. بنابراین تأسیس استودیو سینمایی با تجهیزات مدرن در یک شهرک دورافتاده در دستور کار قرار گرفت. شرکت‌های خارجی نیز پیشقدم شدند. اما به سادگی هرچه تمام‌تر با تغییر یک معاونت سینمایی و آمدن معاونت بعدی، بسیاری از پروژه‌ها نیز به دست فراموشی سپرده شد. سوال: شهرک هشتگرد و پروژه ساخت شهرک سینمایی در آن، اکنون در چه مرحله‌ای است؟ این دوره را باید مدیریت‌سالاری در سینمای ایران تعریف کرد که با به دست گرفتن سکان توسط مدیران سینمایی جدید، آن دوره نیز سر آمد.

اساسی‌ترین پرسش این است که پس از آزمون و خطاهای بسیار چه زمانی قرار است سرانجام فیلم‌سالاری در سینمای ایران در دستور کار قرار بگیرد؟ چه زمانی قرار است سلیقه مدیران سینمایی تصمیم‌گیرنده اصلی برای ساخت فیلم‌ها نباشد؟ یادمان هست که این مدیر، نمایش فیلمی را قدغن می‌کرد و آن مدیر نمایش آن را بلامانع می‌دانست. آن مدیر سینمای کودک‌رامی پس‌ندید، آن دیگری سینمای دیگر مورد علاقه‌اش بود. هر بار و با تمویض یکی از مدیران سینمایی، سینمای ایران دچار عوجاج می‌شود. بار دیگر آزمون و خطایی دیگر و دوباره روز از نو روزی از نو. یعنی کمرنبدمان را سفت می‌کنیم تا روش تازه‌ای را امتحان کنیم. فیلم‌هایی با سلیقه ما ساخته شود و در ویرترین سینمای ایران (جشنواره فیلم فجر) به نمایش درآید. گاهی تا یک مدیر سینمایی بیاید و برنامه‌هایش را پیاده کند، نوبت رفتن است و مدیر تازه‌ای دارد از راه می‌رسد. سینمای ایران به شهادت فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌ایی که یا اکران شده‌اند یا به طور مستقیم به بازار نمایش خانگی تبعید شده‌اند، در بحرانی عمیق فرو رفته است: بحران مخاطب؛ بحرانی که هیچ روش آزمون و خطایی نمی‌تواند آن را چاره کند مگر اینکه سینماسالاری و فیلم‌سالاری بر سینمای حاکم شود. حالا این سینماسالاری چیست و چه مختصاتی دارد؟… بماند!

گهی →

■ **پایان شازده کوچولو**

تدوین فیلم کوتاه شازده کوچولو به کارگردانی فراز انصاری به پایان رسید. این فیلم به دلیل طولانی بودن مرحله پیش‌تولید و انتخاب بازیگر جشنواره فیلم کوتاه تهران را از دست داده است اما برای حضور در جشنواره‌های آتی آماده است. این فیلم برداشتی آزاد از داستان شازده کوچولو آنتوان سنت اگزوپری است. پانتنه میرضیعی و ابراهیم عزیزی دو بازیگر اصلی این فیلم هستند.

در این فیلم حسین باغبان به عنوان تصویربردار و خورشید اعلمی به عنوان تدوینگر با انصاری همکاری داشته‌اند. این سومین تجربه فراز انصاری به عنوان کارگردان است.



سینمای ایران

اجرای طرح ریزش مخاطب



ریزش مخاطب

بحث اجرای این طرح و تأثیرات آن از مدت‌ها پیش مطرح شده بود به خصوص برای تهیه‌کنندگان که با مسائل اقتصادی سینما سروکار دارند. قطعا اجرای این طرح تأثیرات جدی و آشکاری در حوزه تولید و نمایش خواهد گذاشت. مشخص است که اجرای طرح هدفمند کردن پارانها همان‌طور که بر همه بخش‌های کشور تأثیر دارد بر مسائل تولید در سینما هم اثر می‌گذارد. در هر حال ما شاهد افزایش هزینه‌ها در ساخت فیلم و در ادامه افزایش دستمزد‌ها خواهیم بود. این دو مورد باعث می‌شود قیمت تمام‌شده اثر بالا برود و بخش آسیب‌پذیر سینما تحمل این افزایش را نخواهد داشت. برای مثال ما اگر سال ۸۸ میانگین قیمت تمام‌شده اثر را حدود ۴۰۰، ۵۰۰ میلیون تومان در نظر بگیریم پیش‌بینی می‌شود که به با اجرای طرح، ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت خواهیم داشت. این در حالی است که تقریباً پارانها‌های مربوط به حوزه تولید قطع شد و وام‌های دولتی هم به شدت کاهش پیدا کرده و عملاً ما حمایت عام در حوزه سینما نداریم. از طرف دیگر در حوزه نمایش به خاطر بالا رفتن هزینه خانوار، گزینه اوقات فراغت از سبد خانواده حذف یا کمرنگ می‌شود. طبیعی است که به دلیل بالا رفتن هزینه‌ها برای دیدن فیلم و هزینه‌های جانبی آن،تماشای فیلم و سینما رفتن کاهش پیدا می‌کند و ما شاهد ریزش مخاطب خواهیم بود. در نتیجه یک عدم بازدهی اقتصادی را شاهد هستیم. اگر در این زمینه اقدامات عاجل و مفید صورت نگیرد به طور طبیعی کاهش تولیدات خواهیم داشت. کسانی که متصدی سرمایه‌گذاری



هدف اصلی بقای سینماست

از یک سال پیش در شورای عالی تهیه‌کنندگان بحث مربوط به هدفمند کردن پارانها و تأثیرش بر سینمای کشور مطرح شده بود. البته تأثیر بر همه ابعاد سینما از جمله تولید و توزیع و نمایش همه مورد توجه بود. ما در این زمینه جلسه‌ای هم با معاونت سینمایی داشتیم و از آنها خواستیم برنامه‌ای ارائه کنند یا حداقل فکر برنامه‌ای برای اجرا باشند اما بعدها به دلایل بعضی مشکلات روزمره این موضوع خیلی مورد توجه صنف هم قرار نگرفت و به عنوان موضوع مبرم به آن پرداخته نشد. به همین دلیل این موضوع تازه همین هفته روی میز شورای عالی تهیه‌کنندگان قرار گرفت و تا قبل از آن مکتوم بود. البته من مطلع نیستم که مسئولان در جای دیگر در این رابطه گامی برداشته‌اند یا نه که اگر این اتفاق افتاده ما خبر نداریم. در بخش ابتدایی بررسی این طرح ما به یک نکته محرز رسیدیم و آن افزایش قیمت تمام‌شد فیلم‌ها خواهد بود که در اثر آن تماشاگران سینما هم به دلیل بالا گرفتن قیمت‌ها‌ز سینما دور می‌شوند و احتمال حذف سینما از سبد خانواده ما بسیار زیاد است. نکته دیگر افزایش تعداد گروه‌های آسیب‌پذیر در سینماست. در حال حاضر ما چهار پنج گروه آسیب‌پذیر در سینما داریم که قطعاً با اجرای این طرح این تعداد بیشتر خواهد شد. در نتیجه بحث اصلی ما این است که بتوانیم سینما را زنده نگه داریم و تلاش ما برای بقای سینماست. با توجه به بحرانی که در سینما وجود دارد در حقیقت بیشتر باید به فکر بقا باشیم. ابتدا تلاش کنیم که سینما وجود داشته باشد بعد به برنامه‌های بعدی و تعالی سینما فکر کنیم.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۳ ■ دوشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۹

●.....→ منوچهر معتمدی



در این حوزه هستند میل به کاهش کار خواهند داشت. در پی این پدیده‌ها شاهد معضل بیکاری در حوزه سینما و در نهایت آسیب‌ها و اثرات منفی آن خواهیم بود. تا امروز که به طور جدی پیگیری این موضوع در برنامه‌های حوزه فرهنگ نبود. ما در شورای عالی تهیه‌کنندگان فعلاً کار اطلاع‌رسانی را شروع کرده‌ایم که همکاران متوجه مشکلات پیش رو شوند و شاید به گوش مقامات هم برسد. چون اگر برای این معضلات چاره‌اندیشی درست نشود آسیب‌های جدی به حوزه فرهنگ و سینما خواهد خورد. به نظر من باید در دو حوزه چاره‌اندیشی شود. فعلاً جلسات شروع شده و ابتدا اطلاع‌رسانی صورت گرفته. تهیه‌کننده‌ها باید بدانند که در شرایط فعلی نباید سراغ پروژه‌های سنگین و پرهزینه رفت و دنبال سوزه‌های نو و تازه که برای مخاطب جذاب‌اند، باشند. باید به پروژه‌ها با هزینه‌های سنگین بااحتیاط نزدیک شد. از سوی دیگر دولت باید به فکر باشد که به نوعی برنامه‌ریزی شود که مقداری هزینه در سبد خانوار برای اوقات فراغت در نظر گرفته شود چون یک نیاز ضروری برای هر جامعه شهری است. نکته دیگری که تاکنون مغفول مانده بررسی سایر حقوق سینماست؛ حقوقی که جدی گرفته نشده مثل حق کپی‌رایت، حقوق فرهنگی، تلویزیونی، هوابیمایی و… که همه اینها خارج از حوزه حقوق اکران هستند و اگر اینها رعایت شوند بخشی از مشکلات جبران می‌شود. در شرایط فعلی احیای این حقوق باید جدی گرفته شود تا از ضرر و زیان بیشتر جلوگیری شود.



این موضوع مشکل اصلی و آن چیزی است که ذهن ما دست‌اندرکاران و تهیه‌کنندگان را شدیداً مشغول خود کرده. ما نباید بگذاریم سینما از بین برود. تمام تلاش و برنامه‌های شورا روی این نکته متمرکز شده تا بتوانیم آسیب‌ها را به گونه‌ای رفع کنیم که سینمای حتی نیمه‌جان هم بتواند به بقای خود ادامه دهد و بعد از این پروسه با تقویت دوباره به سینمای قابل قبول برسیم. بحث پارانها‌ز دوشنبه این هفته روی میز شورای عالی قرار گرفته. این شورا متشکل از نمایندگان مجمع فیلمسازان و کانون تهیه‌کنندگان و انجمن تهیه‌کنندگان مستقل است. در جلسه اول ما فقط ابعاد موضوع را بررسی کردیم. قطعاً اجرای طرح هدفمند کردن پارانها ابعاد مختلفی دارد. ولی بحث کلیدی بررسی اثر این طرح در فرهنگ کشور است که ظاهراً بر اساس اطلاعات این نکته خیلی مورد توجه قرار نگرفته. شاید مسائل آسیب اجتماعی مورد توجه بوده ولی متأسفانه اثراتی که این طرح بر فرهنگ کشور به طور عام و سینما به طور خاص می‌گذارد در هیچ جا بررسی نشده یا ما اطلاع نداریم ولی اگر بررسی شده باید به ما هم اعلام کنند. در نهایت در شورای عالی تهیه‌کنندگان بررسی این طرح آغاز شده و هر هفته بخش‌های مختلفی از آن مرور خواهد شد ولی در ابتدا هدف آشنایی با خود طرح بود که بعد با نظرات کارشناسی با توجه به گرایش‌های مختلف نمایندگان حاضر در شورا پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهایی ارائه می‌شود که کمترین آسیب به سینما برسد و قشر آسیب‌پذیر سینما کمتر شوند ولی همه اینها به تدریج در جلسات آتی بررسی می‌شود. جلسه اول ما صرف شناخت طرح و اتفاقاتی که می‌تواند حادث شود شد.

عدم اکران فیلم‌های ساخته‌شده و آماده نمایش یکی از مشکلات جامعه سینمایی کشور است؛ معضلی که بسیاری از کارگردان‌ها درگیر آن شده‌اند و هنوز هم ادامه دارد.

کارگردانی که وقت و هزینه زیادی برای ساخت یک فیلم می‌گذارد و مراحل تولید را طی می‌کند و حتی تا مرحله دریافت مجوز برای نمایش پیش می‌رود ناگهان با توقف نمایش فیلم روبه‌رو می‌شود. نکته اساسی اینجاست که اکثر

– دلایل عدم اکران فیلم سینمایی پوسته چیست؟

دولت در زیرمجموعه نهادهای فرهنگی خود مانند وزارت فرهنگ و ارشاد بر همه جزئیات تولید و ساخت و اکران فیلم‌ها سینمایی نظارت دارد، اداره نظارت و ارزشیابی سینمایی حرفه‌ای همه مجوزهای مربوط به ساخت و نمایش فیلم را صادر می‌کند و بر کوچک‌ترین جزئیات و حتی شکل تبلیغات فیلم‌ها نیز نظارت دارد.

با این همه مدعی است در امور اکران دخالت نمی‌کند و این امر را به بخش خصوصی سپرده است. یعنی دولتی که بر همه چیز نظارت دارد به مقوله اکران فیلم‌ها نظارت ندارد و این موضوع به نظر مجهول می‌آید. این یعنی اگر دهه‌ها فیلم لوده‌گرایانه و سخیف اکران شوند و عده‌ای سودجو نخواهند فیلم‌های پرمحتوا که می‌تواند مسائل اخلاقی و اجتماعی را طرح کند اکران شوند اداره نظارت و ارزشیابی سینمای حرفه‌ای در این مورد و تنها در اینجا ترجیح می‌دهد که بخش خصوصی در این باره تصمیم

سینمای ایران

●.....→ منوچهر معتمدی

است که درگیر این طرح می‌شود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اجرا شدن این طرح هزینه ساخت و تولید فیلم را بالا خواهد برد. این افزایش قیمت‌ها بی‌تردید بر همه مراحل ساخت تا اکران تأثیرگذار خواهد بود. بسیاری بر این باورند که اجرای این طرح سبب ریزش مخاطب خواهد شد. در این رابطه نظر تعدادی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان را جویا شدیم.



●.....→ منوچهر معتمدی



●.....→ منوچهر معتمدی

باید کارشناسی بررسی شود

وقتی همه چیز گران شود در ساخت یک فیلم هم موثر است. از غذایی که برای افراد تهیه می‌شود تا لباس و برق و لوکیشن و ماشین و… همه گران می‌شود. اینها همه به شکل یک چرخه و زنجیره به هم مرتبط هستند. در حال حاضر نمی‌دانم چه تعریفی از این طرح دارند و فکر می‌کنم باید کارشناسان اقتصادی و مسوولان سینما این طرح را به درستی بررسی کنند و راهکار مناسبی ارائه دهند چون تأثیر بدی بر سینما خواهد داشت.



●.....→ منوچهر معتمدی

دردی که درمان ندارد

کسانی که به سینما می‌روند طبقه سه و چهار جامعه هستند، چون اقشار دیگر از ماهواره و شبکه خانگی فیلم‌ها را دنبال می‌کنند و کمتر به سینما می‌روند، بنابراین اجرای این طرح باعث کم شدن قشر سینما‌رو می‌شود. در مورد اینکه چطور می‌توان این مشکل را حل کرد خود مسوولان جواب دهند ولی به نظر من دردِی است که درمان نمی‌شود و اگر رعایت نکنیم روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شود. به هر حال ما در شورای تشکل صنفی تهیه‌کنندگان این طرح را بررسی خواهیم کرد.

این فیلم‌ها هیچ مورد اصلاحی ندارند و در جشنواره‌ها نیز نمایش داده شده‌اند.

در این بین کارگردانی که سالیانی را برای تولید فیلمش گذرانده و حالا با عدم اکران آن روبه‌رو می‌شود به دنبال پاسخی برای این مشکل است ولی ظاهراً هیچ یک از مسوولان در این زمینه پاسخگو نیستند. مصطفی آل‌احمد یکی از کارگردان‌هایی است که درگیر این مشکل شده‌است.



●.....→ منوچهر معتمدی